



یکشنبه ۱۰ اردیبهشت ۱۳۹۶ / ۱۲ ربیع الثانی ۱۴۳۹ / ۳۱ دسامبر ۲۰۱۷

رهبر انقلاب:
اگر روحانیت نبود، انقلاب اسلامی بوقوع نمی پیوست



اعتراف مرعشی به مسئولان:
اگر بلد نیستید کنار بکشید

سال بیست و سوم / دوره جدید شماره ۳۴۶ / ۱۲ صفحه / ۱۰۰۰ تومان

تقاضای وزیر کشور از مردم

در تجمعات شرکت نکنید

ارزیابی غلامرضا حیدری از اعتراضات اخیر در گفت‌وگو با «بهار»

باید پاسخگوی مردم باشیم

شعار می‌دهیم که مسئولان نوکر مردم هستند ولی...

اگر برخی چپاول کرده‌اند باید با آن‌ها برخورد قاطع شود

دولت باید فضایی فراهم کند تا معترضان حرف‌هایشان را بگویند

باید حق مردم کامل پرداخت شود تا مشکلات به طور ریشه‌ای حل شوند



مرور «بهار» بر ناآرامی‌ها روز گذشته تهران

از بازار داغ شایعات تا نماز برابر دانشگاه

از ظهر دیروز در نقاط مختلف بخش مرکزی تهران حد فاصل خیابان‌های انقلاب و آزادی از جمله چهارراه ولی عصر، دانشگاه تهران و میدان انقلاب تجمعاتی برگزار شد...



ایجاد محدودیت برای اشتغال زنان باعث کاهش رشد اقتصادی می‌شود

زنان هم «نان آور» خانه هستند

تا چندی پیش از نظر عرف جامعه زنان برای اشتغال در هر شغلی پذیرفته نمی‌شدند اما در حال حاضر که زمان زیادی از روزهایی که زنان، محیط کار را تنها در مطبخ می‌دیدند گذشته است...



یادداشت روز

افزایش قیمت خودرو و قطع تولید پراید؛ دولت علیه دولت؟

گروه اقتصادی بهار

در چند ماه اخیر ثبت سفارش خودرو بدون هیچ توضیحی قانع کننده توسط مسئولان مربوطه در وزارت صنعت و معدن و تجارت متوقف شده که باعث افزایش شدید قیمت‌ها شده است. قبل از هر چیز باید پرسید آیا قطع ناگهانی ثبت سفارش خودرو در چند ماه اخیر در جهت سیاست دولت برای کاهش تورم هست و یا برعکس سبب به سیاست دولت توسط بعضی مدیران که از قضا در همین دولت به بدن خوردوسی کشور ناشی از تعدد عوارض است که مردم را مجبور کرده خودروهای گران و کم کیفیت از مدیران را با سنگین بر واردات، یک تاز بازار خودرو هستند و اینها هم که به علت ضعف تاریخی مدیریت دولتی صنایع ایران به طرز شکست انگیزی در بند چند خودرو ساز محدود فرانسوی مانده‌اند و سوم مدیریت در این صنایع دهها سال است که مردم را مجبور کرده خودروهای گران و کم کیفیت از مدیران را با قیمتی معادل و گاه گرانتر از بهترین خودروهای روز دنیا بخرند. بعید نیست که پشت صحنه حذف تولید پراید بعضی از خود خودرو سازان هستند تا قیمت خودروهای دیگر و کم مشتری خود را بالا برده و یا میزان فروش خودروهای گرانتر خود را بالا ببرند و تا چند سال دیگر ضعف آشکار کیفی و مدیریت خود را بپوشانند. اصرار اداره استاندارد در حذف بعضی خودروها به علت نداشتن مثلا استاندارد روز اروپا در حالی است که بیشتر محصولات غذایی و میوه‌ها و سبزیجات و حتی آب آشامیدنی مردم ایران در موارد فراوانی ناسالم و دارای کود شیمیایی و سموم بیش از حد حتی استانداردهای کشورهای قحطی فقر آفرینی است و اولی همتی از سوی این اداره در حل این مشکل حیاتی در تغذیه مردم مشهود نمی‌باشد، در حالی که اهمیت این موضوع بسیار بیشتر و اولی تر از غیر استاندارد بودن خودروهاست، ای کاش اداره استاندارد با اعمال قانون و بستن کارخانه‌ها در همه زمینه‌ها و صنایع و... در عمل ثابت می‌کند که سود سرشار خودروسازان داخلی در پس اصرار این سازمان در توقف تولید بعضی خودروها نیست.

اگر آمار تصادفات بالاسی می‌توان قوانین جرایم رانندگی و بیمه‌ها را طوری اصلاح کرد تا رانندگان بیشتری احتیاط کنند، مثلا تصادفات منجر به مرگ و یا خسارات سنگین جانی و مادی، راننده متخلف را به شدت جریمه و حتی گواهی نامه او را برای مدتی متناسب با شدت تصادف باطل کرد، یا اگر خودرویی آلودگی زیادی دارد می‌توان فقط در کلان شهرها شماره گذاری آن را ممنوع کرد، چون مشکل آلودگی کلانشهرها نه به علت نوع خودروها که بیشتر به علت تردد بی شمار خودروها، آن هم به علت فرهنگ غلط تک سرنشینی است و گرنه اختلاف مصرف ۳۱ لیتر بنزین خودروها عامل اصلی آلودگی هوا نیست و اتفاقا خودروی پراید، جزو خودروهای کم مصرف محسوب می‌شود که وسیله امر معاش صدها هزار خانوار کم درآمد است. در واقع از مهمترین نتایج حذف ناگهانی تولید پراید، بالا بردن هزینه‌های زندگی مردم مثل کرایه‌ها، در ازای ادامه سودمندی در بعضی از صنایع خودروسازی است که از فروش دیگر محصولات خود عاجزند و بعد از حذف رقیبان خارجی از طریق تعرفه گمرکی بالا، راه را در حذف خودروی ارزان و وطنی بازار می‌بندند! در هر حال، با توجه به داشتن بازار مناسب خودرویی ارزان مثل پراید حتی در کشورهای همسایه، که باعث ایجاد اشتغال به صورت مختلفی می‌شود، قطع ناگهانی این خودرو، که تقریباً کاملا ساخت داخل و بی نیاز از خروج ارز است، اقتصادی و ضروری به نظر نمی‌رسد مگر اینکه جایگزینی بهتر و با همین قیمت وجود داشته باشد که مانع افزایش قیمت‌ها در بازار شود.

پاک کردن صورت مسئله برخلاف منافع و مصلحت ملی است

فرصت پاسخگویی



اعتراضی عام تر و با دغدغه‌هایی بزرگتر از نقد دولت کنونی و بلکه دولت‌های قبل شکل گرفته است. جریان اصولگرا می‌تواند با برخورد گزینشی با شعارهای مردم واقفیت‌ها را نادیده گرفته و در رسانه‌های عمومی که در اختیار خود دارد سعی در وارونه‌نمایی کند، جریان اصلاح طلب و حامیان دولت هم می‌توانند با تحلیل‌هایی مبتنی بر «تئوری توطئه» آنچه در صحنه عمل در حال رخ دادن است را یکسره نادیده بگیرند و این شکل از تجمعات را کار نیروهای سیاسی رقیب بدانند اما این گونه تحلیل‌ها در واقع تغییر ایجاد نخواهد کرد.

واقعیت اینست تجمعات اعتراضی آن است که بخش قابل توجهی از جامعه نسبت به دو جناحی که در همه این سال‌ها بدون کمترین پاسخگویی امکانات کشور در اختیارشان بوده یا هستند گرایه‌مند هستند و به دنبال راهی تازه برای بهبود معیشت و اصلاح رویه‌های نادرست در حوزه سیاسی و اجتماعی می‌گردند. اگر سیاسیون و تصمیم‌گیران کشور از این واقعیت فرار کنند بیشتر از همه خود متضرر می‌شوند، زیرا افرادی مدیریت چنین تجمعاتی را در دست خواهند گرفت که چندان به منافع ملی توجهی نشان نخواهند داد...



گروه سیاسی

چند روز پیش بود که رهبر انقلاب با مخاطب قرار دادن خود و دیگر مقامات و مسئولان کشور از گذشته تا حال فرمودند: «بندهای امکان‌ناست در اختیارم است، نمی‌توانم مدعی باشم، بلکه باید پاسخگو باشم و جواب بدهم که چه کار کردم با این امکانات. کسانی که کشور در اختیارشان است یا در اختیارشان بوده به جای اینکه پاسخگویی کنند، بیانشان نقش مدعی را ایفا کنند علیه این، علیه آن حرف بزنند؛ این نمی‌شود؛ مردم قبول نمی‌کنند این را. حالا ممکن است کسی خیال کند که در مردم تأثیر می‌گذارد؛ نه، مردم آگاهند، می‌فهمند، نمی‌پذیرند این حالت را»

نکته مورد تأکید این مقام عالی رتبه نظام، موضوعی است که در چهار دهه اخیر بارها مورد نقد سیاسیون و ناظران عرصه سیاست قرار گرفته است. با نگاهی به عملکرد کسر قابل توجهی از مسئولان کشور در رده‌ها و قوای مختلف شاهد آن هستیم که آنان بیشتر از آنکه در مقام پاسخگویی نیست به عملکردشان قرار بگیرند نقش «پوزبسیون» را ایفا می‌کنند و به جای پذیرش مسئولیت تبعات اقدامات خود در بخش‌های مختلف به فرافکنی و مقصریابی از درون جبهه رقبای سیاسی‌شان می‌پردازند.

برخی این جملات رهبری را خطاب به رییس جمهور سابق دانسته‌اند اما حقیقت آن است که این تذکره خطاب به تمامی و تمامی افرادی بوده است که در همه این سال‌ها امکانات کشور را در اختیار خود داشته‌اند. با نگاهی به سیاق کلام و همچنین جملات پیش و پس از آن می‌توان دریافت که رهبر انقلاب جایگاه رهبری جامعه را نیز از این قاعده مستثنا نکرده‌اند و این پاسخگویی را لزوماً منحصر به مسئولان دولت‌ها ندانسته‌اند. حال بیایم اعتراضات چند روز اخیر در شهرهای مختلف را از این زاویه بنگریم و به جای آنکه آن را به بیگانگان و یا رقبای سیاسی دولت منتسب کنیم این تجمعات اعتراضی را به عنوان فرصتی برای پاسخگویی مسئولان مختلف کشور بدانیم. با نگاهی به شعارها و مطالبات مردم در تجمعات اعتراضی در روزهای

توضیح ضروری درباره عکس اول شماره دیروز

گروه سیاسی: عکس اول صفحه اول شماره دیروز روزنامه بهار، از سوی برخی رسانه‌ها در فضای مجازی، به عنوان «کاف» ارزیابی شد! موضوع از این قرار است که برای مطلب اصلی شماره دیروز که به موضوع تجمعات روزهای اخیر پرداخته شده بود، همساکاران ما در تحریریه، به دلیل حساسیت‌های موجود در باره چنین سوژه‌هایی، عکس اول را از یکی از خبرگزاری‌های داخلی انتخاب کرده بودند که این خبرگزاری در متن خبر تجمعات مشهد از آن استفاده نموده بود. در واقع، همکاران ما با این تلقی که این عکس مربوط به همین خبر می‌باشد از آن استفاده نمودند غافل از اینکه تصویر مذکور مربوط به تجمعات اعتراضی مقابل سفارت عربستان سعودی در تهران و در واکنش به تعرض به ۲ توجان ایران در اوایل سال ۱۳۹۴ بوده است! در عین حال به دلیل این اشتباه سهوی (استفاده از یک عکس قدیمی و آرشویی) از خوانندگان محترم روزنامه، پوز می‌خواهیم.

نتیجه رادیکالیسم چه خواهد بود؟

گروه محمد توکلی

در چند روز اخیر تحلیل‌های مختلفی درباره تجمعات اعتراضی در شهرهای مختلف به رشته تحریر در آمده است و مشاهده گران عرصه سیاست هر یک به وجوهی از این موضوع پرداخته‌اند. بیشتر تحلیل‌های مرتبط با این موضوع درباره چگونگی آغاز و ادامه این تجمعات بوده است و تلاشی برای کشف اهداف و خواسته‌های معترضان.

آنچه در ادامه به آن خواهیم پرداخت کوششی برای پاسخ به این پرسش است که نتیجه این اعتراضات کور چه خواهد شد؟ واقعیت آن است که برخلاف آنچه در فضای مجازی مطرح شده است این اعتراضات اقتدارها هم که تصور می‌شود در بین همه اقشار جامعه فراگیر نبوده و هنوز مورد استقبال متن جامعه قرار نگرفته است در نتیجه تصورات خامی همچون آنکه این قبیل تجمعات اعتراضی سبب تغییری بزرگ در ساختار سیاسی کشور می‌شود بیشتر از آنکه مبتنی بر واقعیت باشد شبیه به یک شوخی است. حال و در چنین شرایطی نتیجه ملموس این اعتراضات چه خواهد بود؟ با توجه به تجارت گذشته می‌توان گفت نتیجه قطعی اعتراضات روزهای اخیر در دو حوزه سیاسی و اقتصادی فضا را به سمت و سوی خواهد برد که نه تنها آنچه در خواسته‌های این گروه‌های معترض بیان شده است محقق نمی‌شود بلکه شاهد حرکت‌هایی در نقطه مقابل این خواسته‌ها خواهیم بود.

واقعیت آن است که برخی گروه‌های تندروی ذی‌نفس، در مواقعی که صدای اعتراضات از حد مشخصی فراتر می‌رود اولین راه مواجهه با آن را در برخوردهای قهری و انسداد فضای سیاسی می‌دانند و به همین دلیل می‌توان به راحتی پیش بینی کرد که در اعتراضات این جزایر افزایش فشار و محدودیت‌ها برای جریان‌های اصلاحی و میانه رو در پی نخواهد داشت. به عنوان نمونه در روزهای اخیر شنیده‌ها از فشار شدید برخی نهادها بر دولت روحانی برای فیلترینگ تلگرام خبر می‌دهد. موضوعی که نشانگر آن است که نتیجه سیاسی اعتراضات این چنینی جز محدودتر شدن فضای سیاسی و رسانه‌ای کشور نخواهد بود. افزایش محدودیت جریان میانه رو و یک تازی تندروها در فضای سیاسی نه تنها کمکی به توجه به درخواست‌های معترضان نمی‌کند بلکه مسیر کشور را به سمت و سوی خواهد برد که در نقطه مقابل این اعتراضات است.

ب) حوزه اقتصادی
با کمی انصاف می‌توان دریافت که شرایط اقتصادی کشور نسبت به سال‌هایی نه چندان دور در وضعیتی آرام است. آنچه به عنوان ثبات نسبی مطرح می‌کنیم به معنای عدم وجود مشکلات اقتصادی از بحران بیکاری تا افزایش قیمت‌ها در برخی از کالاهای اساسی مردم نیست بلکه بیان واقعیتی درباره میانگین شرایط اقتصادی کشور است. برای حل معضل بیکاری و ایجاد رونق اقتصادی راهی جز جذب سرمایه وجود ندارد و بدیهی است که صاحبان سرمایه نیز در جایی که دچار التهاب و تنش است پای خود را نخواهند گذاشت. نتیجه مشخص این اعتراضات کور، در حوزه اقتصادی نه کاهش مشکلات مردم بلکه اتفاقاً افزایش چنین مشکلاتی است. حال با یک محاسبه «هزینه - فایده» ساده می‌توان تصمیم گرفت که آیا اعتماد به دولت منتخب مردم راه نجات اقتصادی و سیاسی است یا حضور در خیابان‌ها و میادین شهرها؟!



بهدار را در تلگرام دنبال کنید @baharnewsir